

## قاچاق انسان در حقوق کیفری ایران

محمدجعفر حبیبزاده<sup>۱\*</sup>، محمدباقر مقدسی<sup>۲</sup>، عباس جعفری دولت‌آبادی<sup>۳</sup>

۱- دانشیار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۸۸/۵/۲۵

دریافت: ۸۷/۴/۲۲

### چکیده

امروزه مبارزه با قاچاق انسان، به‌عنوان یکی از جرائم علیه کرامت انسانی، وجهه همت بسیاری از کشورها قرار گرفته‌است. نقض کرامت انسانی توسط قاچاقچیان انسان و ارتباط تنگاتنگ قاچاق با دیگر جرائم سازمان‌یافته، مانند پولشویی، از علل اصلی عزم جامعه جهانی برای مبارزه با این جرم است. ایران نیز همانند بسیاری از کشورها از تیررس قاچاقچیان انسان در امان نمانده‌است. تا قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، نظام عدالت کیفری در سردرگمی بود. در سال ۱۳۸۳ به دنبال تحولات بین‌المللی، همانند تصویب پروتکل راجع به پیشگیری و مبارزه با قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان، الحاقی به کنوانسیون پالرمو و ارائه گزارش‌هایی مبنی بر قاچاق زنان و کودکان از ایران به کشورهای همسایه، قانون مبارزه با قاچاق انسان به تصویب رسید. این اقدام، خلأ قانونی در این حوزه را رفع کرد؛ اما تعجیل در تصویب آن موجب شد تا بسیاری از موضوعات مربوط به این جرم به سکوت برگزار شود. تحقیق پیش‌رو تلاش دارد قانون مذکور را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد و نقایص آن را متذکر شود.

**کلید واژه‌ها:** قاچاق انسان، بهره‌کشی، کرامت انسانی، جرم سازمان‌یافته.



## ۱- مقدمه

برده‌داری، تاریخی کهن دارد. در قرون گذشته، خرید و فروش انسان‌ها، به صورت تجارت بردگان رواج داشت. نظام‌های مختلف نه تنها برده‌داری را نفی نمی‌کردند، بلکه صاحبان قدرت در این امر دخالت داشتند. با تحولات اجتماعی، بردگی و تجارت برده که پدیده‌ای کاملاً پذیرفته شده محسوب می‌شد به یک خطای اخلاقی و سپس به یک جرم بین‌المللی تغییر ماهیت داد [۱، ص ۴۷].

دین اسلام با توجه به برابری تمامی انسان‌ها با یکدیگر، تنها ملاک برتری افراد را تقوا دانسته است. از این رو در احکام اسلامی با هر نوع بهره‌کشی و استثمار انسان‌ها مقابله شده است. با توجه به رواج برده‌داری در زمان نزول قرآن، برای از بین بردن این رسم ناپسند، در آیات متعدد بر اهمیت و ارزش والای آزاد ساختن بردگان تأکید شده است. آیه ۳۷ سوره احزاب از آزادسازی بردگان از جمله زید بن حارثه توسط پیامبر (ص) به عنوان احسان پیامبر (ص) به وی یاد کرده است. در سوره بلد آمده است: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكًّا رَقَبَةً». گرچه بعضی از مفسران «فک رقبه» را به معنای آزادکردن گردن خویش از زیر بار گناهان از طریق توبه یا آزادکردن خویش از عذاب الهی از طریق طاعت دانسته‌اند، ولی با توجه به آیاتی که بعد از آیه مزبور آمده و نسبت به یتیم و مسکین توصیه می‌کند، ظاهراً مراد، آزادکردن برده است [۲، ص ۲۹۳ و ۳، ص ۳۰].

نه تنها در قرآن بر اهمیت سنت حسنه آزادکردن بردگان تأکید شده است، بلکه سنت نبوی نیز گویای توجه آن حضرت به آزادی بردگان است. در حدیثی آمده که مردی اعرابی خدمت پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا عملی به من تعلیم کن که مرا بهشتی کند». آن حضرت فرمودند: «اگر چه سخن کوتاهی گفتم، اما مطلب بزرگی سؤال کردی. بردگان را آزاد کن و گردن‌ها را بگشا». راوی سؤال می‌کند: «مگر این دو یکی نیست». حضرت فرمودند: «منظورم از اول این است که مستقلاً برده‌ای را آزاد کنی و در دوم این که کمک به پرداخت قیمت آن کن تا آزاد شود» [۳، ص ۲۹]. از آن حضرت نقل شده که فرمودند: «هر کس مؤمنی را آزاد کند خداوند به عوض هر عضوی از آن بنده، عضوی از آن آزادکننده را از آتش آزاد می‌سازد» [۴، ص ۸۷]. رویه پیامبر (ص) در جنگ‌های مختلف (که منبع اصلی تولید برده بوده) آن بود که ایشان براساس آیه ۴ سوره محمد، یا اسیران را بزرگوارانه آزاد می‌کردند یا در

مقابل دریافت فدیة آنها را معاوضه می‌کردند. سرتاسر تاریخ جنگ‌های پیامبر (ص) نشانگر اتخاذ این سنت است و ایشان تلاش کرده‌اند با پدیده شوم برده‌سازی مبارزه کنند؛ هرچند به دلیل شرایط و نقش مهم برده‌داری در مالکیت و ثروت آن دوران، حذف کامل آن میسر نبوده‌است [۵، ۶۰۸-۶۱۳].

به‌رغم الغای نظام برده‌داری در قرن ۱۸ و ۱۹، در دو قرن اخیر، برده‌داری در قالب قاچاق انسان، نمود و بروز یافته‌است. امروزه در عمل، استثمار و بهره‌کشی از انسان‌ها، بخصوص اطفال و زنان، نه‌تنها کمتر از دوره برده‌داری نیست؛ بلکه در قالب قاچاق انسان، موضوع و دامنه جغرافیایی آن توسعه یافته‌است. اگر در گذشته، هدف اصلی برده‌فروشان استفاده از نیروی کار بردگان بود، در حال حاضر، استفاده از اعضا و جسم آنها نیز مورد توجه قرار گرفته و موجب شده‌است که از قاچاق انسان به‌عنوان برده‌داری نوین یاد شود [۶، ص ۱۱]. اصولاً بین قاچاق انسان و برده‌داری، رابطه معنای داری وجود دارد؛ کما این‌که بین دمکراسی و برده‌داری مغایرت جدی وجود دارد. برده‌داری، مترادف جباریت، استفاده از نیروی دمنشانه و نفی حقوق بشر است و دمکراسی، مترادف آزادی، خودمختاری و احترام به فرد [۷، ص ۳۷۳].

عوامل متعددی در افزایش و گسترش قاچاق انسان در دهه‌های اخیر مؤثر بوده‌اند. افزایش توریسیم جنسی، فقر اقتصادی و فرهنگی، سود سرشار حاصل از فعالیت‌های قاچاق [۸، ص ۳۴۳-۳۴۹]، حاکمیت فرهنگ خشونت، تبعیض‌های اجتماعی ناروا، فقدان مدارک هویت [۹، ص ۸-۱۲]، نبود امنیت چه در سطح خانواده و چه در سطح ملی (به شکل منازعات مسلحانه داخلی)، بحران در نظام ارزش‌ها و اخلاقیات، عدم وجود قوانین مناسب و کارآمد برای برخورد با قاچاقچیان [۱۰، ص ۲۹۲-۲۹۴] و تسهیل رفت و آمد به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی سابق [۱۱، ص ۱۶۳-۱۶۴] و تصویب معاهده شن‌گن [۱۲، ص ۱۶۷-۱۶۹] از مهم‌ترین عوامل افزایش قاچاق انسان هستند.

امروزه آمار دقیقی از افراد قاچاق شده وجود ندارد؛ اما سازمان‌های بین‌المللی فعال در این زمینه گزارش داده‌اند که سالانه ۲ میلیون نفر قاچاق می‌شوند. طبق آمار این سازمان‌ها تخمین زده می‌شود که از دهه ۱۹۷۰ حدود ۳۰ میلیون زن و کودک قاچاق شده‌اند [۱۲، ص ۱۶۸]. گسترش قاچاق انسان از جهات مختلف، امنیت جامعه جهانی را تهدید کرده و حتی در مواردی که بزه‌دیده نیز رضایت دارد، مخالف کرامت انسانی است [۱۳، ص ۱۹۳-۱۹۴]. قاچاق

انسان، حقوق بشر بزه‌دیدگان (حق حیات، کرامت انسانی و...) را نقض می‌کند، با ترویج فحشا به اصول اخلاقی خلل وارد می‌کند، از نظر بهداشتی موجب ورود و شیوع بیماری‌های آمیزشی می‌شود و نظم عمومی و سیستم اقتصادی کشورها را نیز مختل می‌سازد [۱۴ ص، ۵۶]. براساس گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت<sup>۱</sup>، خرید و فروش زنان و دختران سالانه ۸ میلیارد دلار درآمد دارد [۱۵ ص، ۹۵]. سود سرشار ناشی از قاچاق انسان موجب شده گروه‌هایی که در امر قاچاق مواد مخدر و اسلحه فعالیت می‌کنند نیز فعالیت‌های خود را تغییر داده، در کار قاچاق انسان وارد شوند. این امر از آن رو صورت می‌گیرد که در قاچاق اسلحه و مواد مخدر، تنها یک بار می‌توان اسلحه و مواد مخدر را فروخت؛ حال آن‌که فرد قاچاق شده را می‌توان به‌طور مکرر فروخت [۱۶]. در موارد بسیاری قاچاقچیان سود سرشار حاصل از قاچاق انسان را تطهیر یا در فعالیت‌های مجرمانه دیگر، مانند قاچاق اسلحه و تروریسم به کار می‌برند. لذا مبارزه با این جرم، مانع گسترش دیگر فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته خواهد شد [۱۲ ص، ۱۶۵].

کشورهای درگیر در امر قاچاق می‌توانند مبدأ، مقصد یا محل ترانزیت قاچاق باشند. از کشورهای آسیای مرکزی [۱۱ ص، ۱۶۱-۱۶۷]، کشورهای واقع در شرق اروپا، آمریکای جنوبی، افغانستان و نیجریه به‌عنوان کشورهای مبدأ یاد می‌شود. کشورهای آمریکای شمالی، حاشیه خلیج فارس، اروپای غربی و ژاپن، مهم‌ترین مراکز پذیرش قاچاق هستند [۸ ص، ۳۳۰]. ترکیه، آلبانی، قبرس و الجزایر نیز مهم‌ترین مراکز ترانزیت افراد قاچاق شده هستند [۱۲ ص، ۱۷۳].

در این میان، قاچاقچیان انسان، ایران را هم به‌عنوان مبدأ، هم مقصد و هم محل ترانزیت مورد هدف قرار داده‌اند. طبق پژوهش‌های صورت گرفته، هر ساله تعدادی از زنان و کودکان از ایران به کشورهای حاشیه خلیج فارس و پاکستان قاچاق می‌شوند و در آن‌جا مورد بهره‌کشی به‌ویژه بهره‌کشی جنسی قرار می‌گیرند [۱۷ ص، ۵۵-۶۰]. علاوه بر این، قاچاقچیان همه ساله افرادی را از افغانستان و پاکستان به منظور فعالیت در کارهای مختلف به ایران قاچاق می‌کنند. همچنین ایران کشور محل ترانزیت است و قاچاقچیان برای عبور طعمه‌های خود به کشورهای حاشیه خلیج فارس و اروپا از مسیر ایران می‌گذرند [۱۸].

---

1. International Organization for Migration (IOM)

به موازات گسترش قاچاق، عزم کشورهای مختلف در مبارزه کیفی با این پدیده افزایش یافته‌است و تلاش کرده‌اند از طریق وضع قوانین شدید به سختی با قاچاقچیان مبارزه کنند. در میان کشورهای اروپایی، یونان در صف مقدم این مبارزه قرار دارد. قانون کیفی جدید یونان، مجازات ۱۰ سال حبس را برای قاچاقچیان انسان پیش‌بینی کرده‌است [۱۲، ص ۱۷۴-۱۷۵]. در حقوق کیفی ایران تا قبل از سال ۱۳۸۳ مقرر خاصی به این امر اختصاص نیافته بود. در این سال، مجلس تحت تأثیر تحولات بین‌المللی و همچنین گزارش چندین مورد قاچاق زنان از ایران به خارج از کشور، لایحه مبارزه با قاچاق انسان را تصویب کرد. این تحقیق، ضمن تحلیل و بررسی قانون مذکور به دنبال بررسی این موضوع است که آیا مقررات کیفی ایران در خصوص قاچاق انسان جامع است و آیا موضوعات دیگری وجود دارد که در قانون مبارزه با قاچاق انسان پیش‌بینی نشده‌است؟ در جواب سؤالات فوق این فرضیات مطرح گردیده که مقررات کیفی ایران در خصوص این جرم جامع نیست و موضوعات مهم دیگری می‌توانست در قانون مبارزه با قاچاق انسان گنجانده شود که به آن توجه نشده‌است.

## ۲- تعریف قاچاق انسان

قاچاق، برگرفته از واژه ترکی «قاچماق» به معنای گریزانیدن، فرار و ترک وطن است. قاچاق هم در معنای اسم مصدر آمده و هم در معنای اسم آلت. در معنای اسم مصدر، یعنی انجام‌دادن کاری برخلاف قانون و به نحو پنهانی؛ و در معنای اسم آلت، متاعی است که معامله یا ورود آن به داخل کشور ممنوع است [۱۹، ص ۷۸۴]. در ترمینولوژی حقوق در تعریف قاچاق آمده‌است: «حمل و نقل کالا از نقطه‌ای به نقطه‌ای، خواه دو نقطه مزبور در داخل کشور باشد، قاچاق داخلی، خواه یک نقطه در داخل و یک نقطه در خارج باشد که آن را قاچاق خارجی می‌گویند. برخلاف مقررات مربوط به حمل و نقل به طوری که این عمل ناقض ممنوعیت یا محدودیتی باشد که قانوناً مقرر شده‌است» [۲۰، ص ۵۱]. براساس موضوع قاچاق، می‌توان از قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، قاچاق مهاجران، قاچاق اسلحه، قاچاق مواد هسته‌ای، قاچاق اعضای بدن، قاچاق آثار فرهنگی، قاچاق حیوانات کمیاب و... سخن به میان آورد [۲۱، ص ۱۳۰].



در میان مصادیق مختلف قاچاق، قاچاق انسان<sup>۱</sup> و قاچاق مهاجران<sup>۲</sup> تشابه زیادی با یکدیگر دارند که در برخی موارد تمیز آن‌ها از یکدیگر مشکل است. از جمله وجوه تشابه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: موضوع هر دو جرم، افراد بشرند؛ در هر دو غالباً افراد از کشورهای جهان سوم به کشورهای پیشرفته قاچاق می‌شوند [۲۲، ص ۲۷۲-۲۷۳] و هر دو از مصادیق جرائم سازمان‌یافته‌اند که عموماً توسط گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته به منظور تحصیل منفعت ارتکاب می‌یابند [۱۵، ص ۹۳-۱۰۳]. با این حال، قاچاق انسان عبارت از جابه‌جایی انسان از طریق اغفال، اجبار، تهدید یا مانند آن برای بهره‌کشی فرد به‌ویژه بهره‌کشی جنسی است. بزه‌دیده قاچاق انسان، اداره زندگی خود را از دست داده، در معرض بهره‌کشی دیگران قرار می‌گیرد؛ در حالی که در قاچاق مهاجران چنین وضعیت حادی به‌ویژه سوءاستفاده جنسی وجود ندارد. عامل فشار و اجبار در همه مراحل یا بخشی از مراحل قاچاق انسان مشهود است. رضایت بزه‌دیده می‌تواند در تمیز این دو مقوله کمک کند. در حالی که در قاچاق مهاجران، بزه‌دیده از روی عمد و حتی گاه با پرداخت پول، خود را در اختیار قاچاقچیان قرار می‌دهد تا وی را قاچاق کنند، در قاچاق انسان، بزه‌دیده رضایت ندارد و یا این‌که رضایتش از طریق اعمالی مانند اجبار، فریب و تهدید تحصیل شده‌است. به موجب بند «الف» ماده ۴ پروتکل مبارزه با قاچاق مهاجران از طریق خشکی، هوا و دریا، الحاقی به کنوانسیون مقابله با جرائم سازمان‌یافته فراملی<sup>۳</sup>، قاچاق مهاجران عبارت از عبور غیر قانونی یک فرد به کشوری است که وی تابعیت یا مجوز اقامت دائم در آن را ندارد، به منظور کسب منافع مالی یا دیگر منافع مادی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم. قاچاق مهاجران با ورود به مقصد پایان می‌یابد، در حالی که در قاچاق انسان، ورود به مقصد یک کار ابتدایی است و پس از آن، بزه‌دیده وادار به کار اجباری، بردگی، فحشا یا مشابه آن می‌شود [۱۱، ص ۱۵۵-۱۵۶]. در قاچاق انسان، افراد مورد قاچاق، موضوع جرائم بعدی هستند و قاچاق آنان وسیله‌ای برای درآمدهای آتی محسوب می‌گردد؛ یعنی اشخاص قاچاق می‌شوند تا بعداً در مراکز دیگر، مانند مراکز فحشا، مورد بهره‌کشی قرار گیرند؛ زیرا به صرف عبور بزه‌دیده از مرز، چیزی عاید مجرمان نمی‌شود؛ در حالی که در قاچاق مهاجران،

1. trafficking of human beings

2. smuggling of migrants

3. protocol against the smuggling by land, sea and air, supplementing the United Nations Convention against Transitional Organized Crime (2000)

در مواردی صرف گذراندن غیر قانونی از مرزها هدف غایی محسوب می‌شود و قاچاقچیان منفعت مورد نظر خود را از مهاجران دریافت می‌کنند. در قاچاق اشخاص، بیش‌تر زنان و کودکان موضوع جرم هستند، در حالی که قاچاق مهاجران عمومیت دارد و حتی می‌توان ادعا کرد که بیش‌تر، پسران و مردان جوانی که در آرزوی یک زندگی برتر و یافتن کار یا تحصیلات دانشگاهی و... در خارج از کشور هستند، موضوع قاچاق واقع می‌شوند [۲۲، ص ۲۷۲-۲۷۳]. قاچاق مهاجران، جنبه فراملی دارد، حال آن‌که قاچاق انسان می‌تواند در داخل یک کشور و به صورت قاچاق بزه‌دیده از یک نقطه به نقطه دیگر اتفاق افتد [۱۰، ص ۲۹۰]. بزه‌دیدگان قاچاق انسان ممکن است به‌طور قانونی به سرزمین دولتی وارد شوند تا در آینده مورد بهره‌کشی قرار گیرند؛ در حالی که در قاچاق مهاجران، استفاده از وسایل غیرقانونی برای ورود به کشور دیگر بیش‌تر رواج دارد. از این‌رو، پیشگیری از ورود بزه‌دیدگان قاچاق انسان در مقایسه با ورود بزه‌دیدگان قاچاق مهاجران، مشکل‌تر است [۱۴، ص ۵۰].

با گسترش اهداف مورد نظر قاچاقچیان انسان، گستره اهدافی که در تعریف قاچاق انسان گنجانده می‌شود نیز افزایش یافته است؛ چنان‌که در اسناد بین‌المللی متقدم در تعریف قاچاق انسان، بیش‌تر بر کار اجباری تأکید می‌شد، حال آن‌که در اسناد جدیدتر، گستره آن توسعه یافته و ازدواج اجباری، بهره‌کشی جنسی و برداشت اعضا را نیز دربرمی‌گیرد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ در تعریف قاچاق انسان بیان داشت: «حرکت دادن غیرقانونی و مخفیانه اشخاص در عرض مرزهای ملی عمدتاً از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار، با هدف نهایی واداشتن زنان و دختران به وضعیت‌های بهره‌کشانه و ستمگرانه از لحاظ جنسی و اقتصادی، به منظور سود به کار گیرندگان، قاچاقچیان و سندیکاها، جنایتکار و نیز دیگر فعالیت‌های مرتبط با قاچاق، همچون کار خانگی اجباری، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و فرزندخواندگی دروغین» [۶، ص ۱۹-۲۰].

ماده ۳ پروتکل پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان، به‌ویژه قاچاق زنان و کودکان، الحاقی به کنوانسیون مقابله با جرائم سازمان‌یافته فراملی<sup>۱</sup>، استخدام، انتقال، حمل و نقل، پناه دادن یا دریافت اشخاص به وسیله تهدید یا به‌کارگیری زور یا دیگر اشکال تحمیل، آدم‌ربایی، تقلب، فریب، سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت آسیب‌پذیری یا دریافت پرداخت‌ها یا منافع برای کسب

1. Protocol to Prevention, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children, Supplementing the United Nations Convention against Transitional Organized Crime (2000)



رضایت فردی که بر شخص دیگر کنترل دارد به منظور بهره‌کشی را قاچاق انسان دانسته‌است. این تعریف در قانون مبارزه با قاچاق انسان مورد اقتباس قانونگذار قرار گرفته‌است. طبق ماده ۱ این قانون قاچاق انسان عبارت است از: «الف) خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد قاچاق‌شده، به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج. ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی کردن یا فراهم ساختن موجبات اخفای فرد یا افراد موضوع بند «الف» این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود».

قانون مبارزه با قاچاق انسان، همانند پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالرمو، تحقق جرم مذکور را منوط به آن دانسته که بخشی از رفتار ارتكابی در خارج از کشور واقع شود. طبق این تعریف، قاچاق انسان یک جرم فرامرزی است و نقل و انتقال اشخاص در داخل کشور به قصد اهداف مذکور، قاچاق محسوب نمی‌شود. عدم تسری تعریف قاچاق به نقل و انتقال اشخاص در داخل مرزها مورد انتقاد قرار گرفته‌است [۲۳، ص ۱۲]. گفته شده نباید قاچاق انسان به مرزهای فراملی محدود شود. در اثر این انتقادات در برخی اسناد، مانند کنوانسیون اتحادیه آسیای شرقی برای همکاری منطقه‌ای راجع به پیشگیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان برای روسپیگری<sup>۱</sup>، و پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک درخصوص فروش، فحشا و هزینه‌نگاری اطفال<sup>۲</sup>، تعریف اقدامات انجام شده در کلیه مناطق، اعم از مرزهای داخلی و خارجی پذیرفته شده‌است [۸، ص ۳۲۲]. این نکته در تعریف قاچاق انسان در قانون ایران مورد توجه قرار نگرفته؛ حال آن‌که برای مبارزه بهتر با این پدیده شوم، بهتر بود به آن توجه و قاچاق در درون مرزها نیز جرم‌انگاری می‌گردید. پس طبق قانون ایران، قاچاق انسان عبارت است از: «عبور دادن فرد از مرزهای کشور، تحویل گرفتن، انتقال دادن، مخفی کردن یا فراهم ساختن موجبات اختفای وی پس از عبور از مرز با اجبار، اکراه، تهدید، فریب، سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت بزه‌دیده به قصد بهره‌کشی جنسی، برداشت اعضا، بردگی و ازدواج وی».

1. Saarc Convention on Preventing and Combating Trafficking in Women and Children for Prostitution (2002)

۲. روزنامه رسمی، شماره ۱۸۲۰۴-۱۳۸۶/۶/۶



### ۳- ارکان جرم قاچاق انسان

از نظر حقوق جزای عمومی برای تحقق هر جرم، سه رکن قانونی، مادی و روانی لازم است. در کنار این سه رکن اصلی، شرایط و عناصر اختصاصی دیگری نیز برای تحقق هر جرم لازم است که بسته به نوع جرم، این شرایط متفاوتند. زمان و مکان وقوع جرم، شخصیت مرتکب و بزه دیده از جمله این عناصر هستند. در این قسمت، عناصر و ارکان اختصاصی جرم قاچاق انسان در حقوق ایران را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

#### ۳-۱- رکن قانونی

مهم‌ترین رکن هر جرم، رکن قانونی آن است. تا زمانی که عملی بر طبق قانون جرم نباشد، نمی‌توان از رکن مادی یا رکن روانی آن صحبت کرد. بنابراین در تحلیل هر جرم ابتدا باید بررسی کرد که آیا طبق مقررات مصوب، رفتار مذکور قابل مجازات است یا نه؟

هرچند بند «ب» ماده ۲۱۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ صریحاً به قاچاق انسان اشاره نکرده بود، ولی نحوه نگارش آن به گونه‌ای بود که به یکی از مهم‌ترین اشکال قاچاق، یعنی قاچاق برای بهره‌کشی جنسی اشاره می‌کرد: «هر کس زنی را به علم به این‌که آن زن در خارج به شغل فاحشگی مشغول خواهد شد برای رفتن به خارج تشویق کند یا او را با رضایت خودش به خارجه ببرد یا برای رفتن به خارج اجیر کند به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد؛ اگر چه اعمال مختلف که میانی جرم محسوب می‌شود در ممالک مختلف صورت گرفته باشد». این ماده تشابه بسیاری با تعریف قاچاق انسان برای بهره‌کشی جنسی مندرج در پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو دارد. از یک‌طرف بر فرامرزی بودن نقل و انتقال تأکید دارد و از طرف دیگر، رضایت شخص قاچاق شده در نقل و انتقال را فاقد اهمیت دانسته و چنانچه این امر برای بهره‌کشی جنسی صورت گرفته باشد همچنان آن را قابل تعقیب دانسته‌است. پس از انقلاب اسلامی در قانون تعزیرات (۱۳۶۲) و قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده (۱۳۷۵) مقرر مشابهی پیش‌بینی نشد، زیرا تدوین‌کنندگان قوانین تصور می‌کردند این موارد می‌تواند مشمول جرم قوادی باشد؛ در حالی که بین قوادی و قاچاق انسان، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد و «قانونگذار می‌تواند فارغ از دغدغه تداخل بزه قوادی و قاچاق زنان برای فحشا عناصر مادی و معنوی هر یک را تبیین نماید و بسته به مراتب جرائم ارتكابی و



خصوصیات مرتکبین، مجازات‌های متناسب را پیش‌بینی کند» [۱۳، ص ۱۹۶].

در سال ۱۳۸۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به تصویب رسید. به موجب ماده ۳ این قانون: «هرگونه خرید و فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف، از قبیل قاچاق ممنوع و مرتکب حسب مورد، علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان یا به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال محکوم خواهد شد». هرچند در این ماده به‌طور صریح به قاچاق انسان اشاره نشده، ولی استفاده مطلق از واژه قاچاق، خرید و فروش و بهره‌کشی می‌تواند موجب این برداشت شود که مراد قانونگذار در این ماده، قاچاق به معنای مطلق، اعم از قاچاق انسان و مواد مخدر است. فقدان مقرره کیفری خاص درخصوص قاچاق انسان نیز این برداشت را تقویت می‌کرد. با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ خلأ قانونی در این زمینه رفع گردید. ماده ۱ این قانون به تعریف قاچاق اختصاص یافت و ماده ۲ نیز اعمال در حکم قاچاق را برشمرد.

با تصویب قانون مذکور در مورد نسخ یا عدم نسخ ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در قسمت قاچاق انسان، اختلاف‌نظر پیش آمد. یک نظر این است که با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نسخ شده‌است. نظر دیگر این است که با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نسخ نشده، زیرا براساس ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان می‌توان حالتی را که طفل در داخل ایران برای ارتکاب اعمال جنسی خرید و فروش می‌شود مجازات کرد [۲۴، ص ۲۸۴]. به‌واقع می‌توان این گونه بیان داشت که ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان با ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تعارض ندارد، زیرا ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به قاچاق اطفال در داخل ایران اختصاص دارد و ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان، ناظر به قاچاق کلیه اشخاص به خارج از کشور است [۲۵، ص ۷۲].

بنابراین در حال حاضر، مقرره اصلی در مورد قاچاق انسان (به‌طور مطلق) ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان است. در کنار مقرره مذکور، اسناد بین‌المللی متعددی به تصویب رسیده‌اند [۲۶، ص ۳۷۵-۳۷۸] که ایران نیز به بسیاری از آن‌ها ملحق شده‌است [۹، ص ۲۵-۲۶]. با این حال، چون نمی‌توان بر مبنای اسناد بین‌المللی، عملی را جرم دانست، نمی‌توان از این اسناد به‌عنوان رکن قانونی جرم مذکور یاد کرد.

### ۲-۳-۲- رکن مادی

اجزای رکن مادی هر جرم را می‌توان در شش قسمت مجزا مورد بررسی قرار داد. ماهیت رفتار مجرمانه، موضوع جرم، وسیله مجرمانه، تأثیر زمان و مکان، شخصیت طرفین و نتیجه مجرمانه، مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده رکن مادی هستند.

### ۱-۲-۳- رفتار مجرمانه

رفتارهای مجرمانه مذکور در ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان همگی ظهور در فعل مثبت مادی دارند. خارج ساختن، وارد ساختن، ترانزیت، تحویل گرفتن، انتقال دادن، مخفی کردن و فراهم ساختن موجبات اخفا، همگی رفتارهایی هستند که نیازمند انجام فعل مثبت مادی از طرف مرتکب هستند. علاوه بر این، برای تحقق اعمال در حکم قاچاق انسان موضوع ماده ۲ نیز فعل مثبت مادی مورد نیاز است. تشکیل یا اداره دسته و حمل یا انتقال، همگی رفتارهایی هستند که با ظهور فعل مثبت مادی از طرف مرتکب محقق می‌شوند.

علاوه بر افعال مادی مذکور در مواد ۱ و ۲ باید رفتار مرتکب همراه با اجبار، اکراه، تهدید، خدعه و نیرنگ یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد باشد. به عبارت دیگر، این موارد جزء خصیصه ماهیت رفتار مجرمانه هستند.

### ۲-۲-۲- موضوع جرم

عنوان قانون و نیز استفاده از واژه‌های «فرد»، «بزه‌دیده» و «فرد قاچاق شده» همگی نشان‌دهنده آن است که این جرم در وهله اول جرم علیه اشخاص است. برخلاف برخی از اسناد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون اتحادیه آسیای شرقی برای همکاری منطقه‌ای راجع به پیشگیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان برای روسپیگری که صرفاً به قاچاق زنان اختصاص یافته و همچنین برخلاف قوانین برخی از کشورها مانند قانون قاچاق و هرزه‌نگاری اطفال ایرلند<sup>۱</sup> که صرفاً به حمایت از اطفال قاچاق شده اختصاص یافته، قانون مبارزه با قاچاق انسان ایران به‌طور مطلق از کلیه افراد در برابر قاچاق حمایت کرده و در تبصره ۱ ماده ۳ مجازات قاچاق شخص کم‌تر از ۱۸ سال تشدید شده‌است.

---

1. Child Trafficking and Pornography Act (1998)

با این‌که در وهله اول، قاچاق انسان جرم علیه اشخاص است، با این حال می‌تواند مشمول جرائم علیه امنیت گردد. واردکردن گروه‌های سازمان‌یافته، در این حوزه، این ایده را تقویت کرده‌است؛ زیرا در برخی از موارد، فعالیت این گروه‌ها و قاچاق اتباع یک کشور چنان اهمیت می‌یابد که می‌تواند تهدیدی جدی علیه امنیت یک کشور محسوب شود. قانونگذار ایران در تبصره ۱ ماده ۳ عمل مرتکب را محاربه دانسته که از مصادیق جرائم علیه امنیت است.

### ۳-۲-۳- وسیله مجرمانه

طبق قانون مبارزه با قاچاق انسان، استفاده از سلاح، هم در وقوع جرم و هم در تشدید مجازات بی‌تأثیر است. همچنین قاچاق از راه زمینی و توسط وسایل حمل و نقل زمینی یا از راه هوایی و توسط هواپیما یا از راه دریایی و توسط کشتی دارای حکم واحد است و مجازات مرتکبانی که از وسایل مختلف برای قاچاق استفاده کرده‌اند، یکسان است.

### ۳-۲-۴- تأثیر زمان و مکان

طبق ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان، باید ایران مبدأ یا مقصد قاچاق باشد. از این رو، نقل و انتقال افراد در داخل مرزهای کشور از شمول این قانون خارج است و صرفاً رفتاری طبق این قانون قابل مجازات است که فردی از ایران خارج و یا از کشور دیگری به ایران وارد شود.

به‌رغم تأثیر مکان در وقوع جرم مذکور، زمان وقوع رفتار مجرمانه در تحقق ماهیت جرم و یا تشدید مجازات بی‌تأثیر است. با این حال، قانونگذار می‌توانست تدابیری پیش‌بینی کند که وقوع قاچاق در زمان‌ها یا مکان‌های خاص تشدید شود. در برخی از برهه‌های زمانی و برخی مناطق و به خاطر شرایط خاص (که البته موقت است) اشخاص به دلیل نداشتن شرایط مناسب زندگی، نسبت به قاچاق آسیب‌پذیرترند. برای مثال پس از وقوع حوادثی مانند زلزله و یا جنگ، اشخاص درگیر، شرایط خاصی پیدا می‌کنند که می‌تواند دستاویزی برای قاچاقچیان باشد. دختر یا پسری که در اثر حوادث غیرمترقبه، والدین خود را از دست داده، نیازمند حمایت مالی، عاطفی و روانی بیشتر است. در این حالت ممکن است قاچاقچیان از موقعیت شخص سوءاستفاده کرده، با وعده‌های دروغین او را بفریبند و قاچاق کنند. از این‌رو می‌توان در این

موارد از طریق تشدید مجازات، هزینه ارتکاب جرم را افزایش داد و افراد را از فعلیت دادن به مقاصد مجرمانه‌شان بازداشت. تعیین مجازات در این موارد در قوانین کیفری سابقه دارد؛ چنان‌که طبق ماده ۶۵۸ ق.م.ا، مجازات سرقت در مناطق سیل یا زلزله زده یا جنگی یا آتش‌سوزی یا در محل تصادفات رانندگی، شدیدتر از مجازات سرقت عادی است [۹، ص ۵۳-۵۴]. اهمیت حمایت از افرادی که درگیر چنین حوادثی هستند مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است؛ چنان‌که یونیسف پس از وقوع سونامی در جنوب شرق آسیا راهکارهایی را برای به حداقل رساندن قاچاق کودکان پیشنهاد داده است [۲۷].

### ۳-۲-۵- شخصیت طرفین

جنسیت و ملیت مرتکب و بزه‌دیده، تأثیری در وقوع جرم قاچاق انسان ندارند. استفاده مطلق از واژگان «مرتکب»، «کسی» و «فرد بزه‌دیده» نشانگر آن است که ملیت و جنسیت هیچ‌یک از طرفین جرم، تأثیری در وقوع جرم نداشته، این جرم از طرف هر شخص، اعم از ایرانی یا خارجی و زن یا مرد نسبت به هر شخص، اعم از ایرانی یا خارجی و زن و مرد قابل ارتکاب است.

تصریح به وارد ساختن به کشور در ماده ۱ قانون مذکور، تأیید این نکته است که از بزه‌دیدگان خارجی نیز حمایت به عمل آمده است. همان‌طور که بیان شد این قانون از کلیه اشخاص در برابر قاچاق حمایت کرده و چتر حمایتی خود را به گروه یا جنس خاصی محدود نکرده است. با این حال به رغم عدم تأثیر شخصیت مرتکب و بزه‌دیده در وقوع جرم، وجود برخی از خصوصیات در هر یک از آن‌ها موجب تشدید مجازات می‌شود.

طبق ماده ۴ داشتن سمت دولتی برای مرتکب، موجب تشدید مجازات وی خواهد شد. طبق این ماده، مداخله هر یک از کارکنان دولت یا مؤسسات، شرکت‌ها و سازمان‌های وابسته به دولت و نیروهای مسلح یا مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی یا به‌طور کلی کارکنان قوای سه‌گانه به نحوی از انحا در جرائم موضوع قانون مبارزه با قاچاق انسان موجب محکومیت مرتکب به مجازات‌های مقرر در قانون و انفصال موقت یا دائم وی خواهد شد. قانونگذار تلاش کرده از این طریق هزینه ارتکاب جرم از طرف کارکنان دستگاه‌های دولتی، که نماینده دولت هستند و با ارتکاب جرم حیثیت دولت را خدشه‌دار می‌کنند، را بالا ببرد. پیش‌بینی این شرط می‌تواند عاملی بازدارنده در ارتکاب قاچاق از طرف این گروه باشد. طبق تبصره ۱ ماده ۳ چنانچه فرد قاچاق‌شده کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از

مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد. در این ماده نیز همانند قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و برخلاف قوانین مصوب پیش از سال ۱۳۸۱ که بیش‌تر به حمایت از اطفال توجه کرده‌اند، چتر حمایتی قانونگذار گسترده‌تر شده و اشخاص کم‌تر از ۱۸ سال، که گستره بیش‌تری از اطفال را دربرمی‌گیرد، مورد حمایت سیاست افتراقی قانونگذار قرار گرفته‌اند.

به‌رغم توجه به دو خصیصه فوق در مرتکب و بزه‌دیده، دیگر ویژگی‌های مرتکبان و بزه‌دیدگان، از جمله سوءاستفاده مقام‌های دولتی از پست و مقام خود برای قاچاق انسان مورد توجه قرار نگرفته‌است؛ زیرا کارکنان دستگاه‌های دولتی اختیاراتی دارند که دیگر افراد از آن بهره‌مند نیستند. لذا در برخی از موارد، ارتکاب جرم توسط آن‌ها ساده‌تر از ارتکاب جرم توسط سایر اشخاص است. از این‌رو، چنانچه کارمندی با سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری خود مرتکب قاچاق شود باید مجازات او تشدید گردد. برای مثال، چنانچه مرزبان که وظیفه‌اش جلوگیری از ورود و خروج غیرقانونی افراد است در قاچاق انسان نقش داشته باشد، انصاف اقتضا می‌کند مجازات وی شدیدتر از شخصی باشد که فاقد چنین وظیفه‌ای بوده‌است. در این مورد می‌توان با پیش‌بینی مجازات شدید، وی را از سوءاستفاده از مقامش بازداشت [۹، ص ۳۳-۳۴]. دیگر خصوصیات مرتکب، نظیر وظیفه سرپرستی و مراقبت شخص و سوءاستفاده از آن برای قاچاق نیز از خصوصیات است که می‌توانست در تشدید مجازات مد نظر قرار گیرد [۹، ص ۵۲].

در مورد خصیصه بزه‌دیده که می‌تواند به‌عنوان یک عامل مشدده مد نظر قرار گیرد، می‌توان به جنس بزه‌دیده نیز اشاره کرد. زنان نیز همچون اطفال نسبت به مردان در مقابل قاچاق انسان خصوصاً به منظور بهره‌کشی جنسی آسیب‌پذیرترند. تبعیض‌های جنسیتی و ضعف قوای جسمی این گروه، آنان را آسیب‌پذیرتر از مردان کرده‌است. هرچند در سده اخیر از مردان نیز برای فعالیت‌های جنسی استفاده می‌شود [۸، ص ۳۳۰]، ولی هدف اصلی قاچاقچیان که قصد بهره‌کشی جنسی دارند، زنان هستند. از این‌رو، تشدید مجازات در صورتی که زنان، بزه‌دیده قاچاق باشند، همانند وقتی که اطفال بزه‌دیده‌اند، ضروری است. در اسناد بین‌المللی نیز هر جا از حمایت خاص از اطفال صحبت به میان آمده به زنان نیز اشاره شده‌است؛ در حالی که تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان، تنها تشدید مجازات را در مورد قاچاق افراد

کم‌تر از ۱۸ سال پیش‌بینی کرده‌است و چنانچه زنی بیش از ۱۸ سال داشته باشد از شمول این تبصره خارج است.

### ۳-۲-۶- نتیجه مجرمانه

طبق قانون مبارزه با قاچاق انسان، قاچاق انسان در تقسیم‌بندی جرائم از لحاظ نیاز یا عدم نیاز به تحقق نتیجه مجرمانه، در شمار جرائم مطلق است؛ زیرا آنچه برای تحقق آن مهم و ضروری است خارج ساختن، وارد ساختن، ترانزیت، تحویل گرفتن، انتقال دادن، مخفی ساختن و موجبات اخفای فرد است. تحقق یا عدم تحقق نتایج دیگر، مؤثر در مقام نیست؛ بدین معنا که به محض خارج ساختن فردی از مرزهای کشور به قصد فحشا، جرم محقق شده‌است؛ هرچند فرد قاچاقچی بلافاصله پس از ورود به کشور دیگر دستگیر شده و مجالی برای بهره‌کشی جنسی از بزه‌دیده نداشته باشد. در واقع، برخلاف این عقیده که «چنانچه مرتکب اقدام به خارج کردن یا ترانزیت بزه‌دیده بنماید و عبور از مرز صورت بگیرد، لکن مقاصد چهارگانه مذکور (به بردگی گرفتن، ازدواج اجباری، بهره‌برداری جنسی قاچاق عضو) صورت نگیرد؛ شروع به جرم قاچاق محقق شده‌است» [۲۸، ص ۵۹-۶۰]، به نظر ما صرف خارج کردن یا ترانزیت و عبور بزه‌دیده از مرز برای تحقق جرم کافی است و مقاصد چهارگانه صرفاً سوءنیت خاص است که جای بحث آن در رکن روانی است.

### ۳-۳- رکن روانی

برای تحقق جرم، در کنار تحقق رکن مادی، وجود رکن روانی نیز ضرورت دارد. رکن روانی در جرائم عمدی، متفاوت از جرائم غیرعمدی است. رکن روانی جرائم عمدی، علاوه بر قصد انجام رفتار مجرمانه، قصد تحقق نتیجه مجرمانه است؛ حال آن‌که در جرائم غیرعمدی، رکن روانی، علاوه بر قصد انجام رفتار ممنوع، وقوع خطای جزایی است.

### ۳-۳-۱- سوءنیت عام

«سوءنیت، اراده خودآگاه شخصی در ارتکاب رفتار مجرمانه، یا تعلق اراده فاعل به اجرای رفتار ممنوعه است» [۲۹، ص ۹۴]. در جرم قاچاق انسان، سوءنیت عام مرتکب، عبارت است



از: قصد مرتکب در منتقل ساختن بزه‌دیده از مرزهای کشور، قصد تحویل گرفتن یا قصد اختفای فرد یا قصد فراهم ساختن موجبات اخفای وی پس از عبور از مرز، و استدلال برخی مبنی بر این‌که قصد فحشا، برداشت عضو و جوارح، بردگی و ازدواج، سوءنیت عام این جرم را تشکیل می‌دهد، صحیح به نظر نمی‌رسد [۳۰، ص ۵۸].

### ۲-۳-۳- سوءنیت خاص

اصولاً در جرائم عمدی، علاوه بر سوءنیت عام، وجود سوءنیت خاص نیز شرط است. سوءنیت خاص، قصد وقوع نتیجه مترتب بر رفتار مرتکب است؛ صرف‌نظر از این‌که این نتیجه در عالم واقع محقق شود یا نشود. بسته به نوع جرم، سوءنیت خاص نیز تفاوت می‌کند. سوءنیت خاص جرم قاچاق انسان، قصد بهره‌کشی جنسی از شخص در فعالیت‌های جنسی، قصد برداشت اعضا و جوارح، قصد بردگی و قصد ازدواج است. از این‌رو، چنانچه جابه‌جایی و نقل و انتقال اشخاص به منظوری غیر از اهداف مذکور صورت گرفته باشد، همچون زمانی که شخصی برای مسافرت تفریحی شخصی را به خارج می‌برد، جرم قاچاق محقق نشده است.

قانون مبارزه با قاچاق انسان با تمایز قایل شدن بین قاچاق به قصد بهره‌کشی جنسی با دیگر اقسام آن، رضایت فرد قاچاق شده را در زمانی که قاچاق برای بهره‌کشی جنسی صورت گرفته، فاقد اثر دانسته است؛ بدین معنا که اگر مرتکب، قصد بهره‌کشی جنسی داشته و بزه‌دیده نیز رضایت داشته باشد، مشمول عنوان قاچاق خواهد شد. با این حال در دیگر موارد، از جمله هنگامی که قاچاق به منظور برداشت اعضا صورت می‌گیرد یا در مواردی که قاچاق به منظور بردگی یا ازدواج واقع می‌شود، چنانچه شخص به این امر رضایت داشته باشد مشمول این قانون نخواهد بود. در حالت اخیر، تنها زمانی رضایت فاقد اثر است که قاچاق به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یافته باشد. قانونگذار در زمینه عدم تأثیر رضایت بزه‌دیده دو معیار را مد نظر قرار داده است: (۱) قاچاق به قصد فحشا، (۲) قاچاق به هر قصدی در حالت سازمان‌یافته.

به نظر می‌رسد عدم تأثیر رضایت بزه‌دیده در حالت اول به دلیل قبح شدید فعالیت‌های جنسی نامشروع و بهره‌کشی جنسی در آموزه‌های اسلامی است. در مورد دوم نیز به نظر می‌رسد چون خطرهای ارتکاب جرم توسط گروه‌های سازمان‌یافته بیشتر است، قانونگذار از طریق غیر مؤثر دانستن رضایت بزه‌دیده، با این پدیده مقابله کرده است.



به رغم تصریح قانونگذار به عدم تأثیر رضایت بزه‌دیده در دو حالت فوق، شایسته بود به‌طور مطلق در تمام حالات قاچاق، رضایت بزه‌دیده بی‌تأثیر شناخته می‌شد و رویه مندرج در بند «ب» ماده ۳ پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو که به‌صراحت مقرر می‌دارد رضایت بزه‌دیده هیچ تأثیری در تحقق عنوان قاچاق ندارد، رعایت می‌شد. رویه مذکور به رغم مخالفت برخی از کشورها، با اصرار بسیاری دیگر از کشورها برای مبارزه جدی و تعقیب کامل قاچاقچیان در متن نهایی سند گنجانده شد [۸، ص ۳۳۶-۳۳۷]. اتخاذ رویه مشابه پروتکل از آن‌رو ضرورت دارد که در بسیاری از موارد، بزه‌دیدگان در ابتدا از سرنوشت شومی که در انتظار آن‌ها است ناآگاهند و با رضایت خود به قاچاق تن می‌دهند و پس از گرفتار شدن در چنگال قاچاقچیان نمی‌توانند از دام آن‌ها فرار کنند. در این موارد، عدم تعقیب قاچاقچیان به استناد این که بزه‌دیده در ابتدا به قاچاق رضایت داشته، موجب افزایش ارتکاب این جرم خواهد شد. به علاوه در موارد دیگر از جمله وقتی که قاچاق به منظور برداشت اعضا یا بردگی صورت می‌گیرد، آسیب‌های وارد بر بزه‌دیده شدیدتر از حالتی است که قاچاق به قصد فحشا صورت گرفته‌است. از این‌رو، تمایز قایل شدن بین این دو حالت بلاوجه به نظر می‌رسد.

همچون جرائم دیگر که ممکن است افراد انگیزه‌های متفاوتی در ارتکاب جرم داشته باشند، در جرم قاچاق نیز ممکن است هر یک از اشخاص بنا به انگیزه خاص نسبت به قاچاق اقدام کنند؛ چنان‌که ممکن است شخصی در قاچاق به دنبال کسب منفعت مادی باشد و شخص دیگر به دنبال انتقام‌جویی از شخصی خاص. در هر حال، قانونگذار انگیزه‌های مختلف را مورد توجه قرار نداده و مطلق قاچاق را با داشتن سوءنیت‌های مذکور در بالا جرم دانسته‌است.

### ۳-۴- مجازات

مواد ۲ تا ۵ قانون مبارزه با قاچاق انسان به مجازات مرتکب قاچاق در حالات مختلف اشاره کرده‌است.

طبق ماده ۳: «چنانچه عمل مرتکب قاچاق انسان از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، مطابق مجازات‌های مقرر در قانون یادشده و در غیر این صورت به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده‌است محکوم



می‌شود». این ماده با علت اصلی وضع قانون مبارزه با قاچاق انسان معارض است؛ زیرا طبق این ماده در هنگام رسیدگی، قاضی باید قبل از تعیین مجازات به بررسی این نکته بپردازد که آیا عمل مرتکب مشمول دیگر مواد قانون مجازات اسلامی قرار می‌گیرد یا نه. چنانچه این امر محقق بود طبق ماده مذکور و در غیر این صورت طبق قانون مبارزه با قاچاق انسان رأی صادر می‌کند. در حالی که هدف اصلی از وضع این قانون مبارزه جدی با قاچاق انسان بوده، قانونگذار بدون هیچ مبنایی در تعیین عنوان مجرمانه، اولویت را به احکام مقرر در قانون مجازات اسلامی داده است. حتی در مواردی که عمل مرتکب منطبق با یکی از عناوین قانون مجازات اسلامی است و همزمان قابل تطبیق با قاچاق انسان است، باید طبق قاعده تعدد معنوی (ماده ۴۷ ق.م.ا.) اقدام می‌شد، نه این‌که قانونگذار صریحاً اولویت را به مواد قانون مجازات اسلامی بدهد [۲۸، ص ۷۸ و ۲۲، ص ۲۷۷]. به نظر می‌رسد پیش‌بینی این امر، ترجیح بلامرغ عناوینی چون قوادی بر قاچاق انسان است که قانونگذار در عمل با نقض حکم تعدد معنوی، احکام مقرر در قانون مجازات اسلامی را ثابت دانسته است.

طبق تبصره این ماده در صورتی که فرد قاچاق شده کم‌تر از ۱۸ سال داشته باشد در صورتی که عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افسادفی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در ماده ۳ محکوم خواهد شد. اگر مراد قانونگذار در تبصره مذکور، حالتی است که مرتکب همزمان با قاچاق برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه می‌برد، نیازی به بیان حکم مجدد نبود؛ زیرا در این موارد قاضی می‌تواند بر مبنای ماده ۱۸۳ حکم صادر کند، اما چنانچه مراد قانونگذار آن باشد که قاچاق، مصادیقی از جرم محاربه و افسادفی الارض است، قابل انتقاد به نظر می‌رسد، زیرا تعمیم عنوان محاربه و افسادفی الارض که از جرائم مستوجب حد است، به قاچاق که از جرائم مستوجب تعزیر است، فاقد دلیل روشن بوده، با تفسیر مضیق متون کیفری که در استنباط احکام جرائم مستوجب حد باید رعایت شود، مخالف است [۱۳، ص ۱۹۶-۲۰۰]. قانونگذار در تبصره مذکور، همانند بسیاری از قوانین بعد از انقلاب، بدون علت دامنه جرم محاربه و افسادفی الارض را گسترش داده و جرائمی را جزء مصادیق محاربه و افسادفی الارض دانسته که هیچ نوع تناسبی بین آن‌ها با محاربه و افسادفی الارض، که ترساندن مردم از طریق کشیدن اسلحه است، وجود ندارد [۳۱، ص ۲۸-۳۲ و ۳۲، ص ۴۹-۵۱].

طبق تبصره ۳ ماده ۳: «مجازات معاونت در جرم «قاچاق انسان» به میزان دو تا پنج سال حبس حسب مورد و نیز جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده‌است، خواهد بود». به‌عنوان یک قاعده کلی، معاونت در جرائم سازمان‌یافته از مشارکت در این جرائم منفک نمی‌شود و همه دست‌اندرکاران ارتکاب این جرائم به‌عنوان شرکای جرم مجازات می‌شوند [۳۳، ص ۳۴]. بنابراین شایسته‌تر بود در این قانون نیز مجازات معاونت در قاچاق انسان، به‌ویژه در مواردی که به صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابد، همانند مجازات مباشر تعیین گردد [۲۲، ص ۲۸۰].

تبصره ۲ ماده ۳ مجازات شروع به جرم را شش ماه تا دو سال حبس بیان کرده‌است. از ابداعات قانونگذار، پیش‌بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی است. طبق ماده ۵: «چنانچه مؤسسات و شرکت‌های خصوصی به قصد ارتکاب جرائم موضوع این قانون، ولو به نام و عنوان دیگری تشکیل شده باشند، علاوه بر اعمال مجازات‌های مقرر، پروانه فعالیت یا مجوز مربوط ابطال و مؤسسه و شرکت به دستور مقام قضایی تعطیل خواهد گردید». ظاهراً منظور از اعمال مجازات‌های مقرر، اعمال مجازات حبس نسبت به اشخاص حقیقی تشکیل‌دهنده (مدیران) بوده است؛ چون بدیهی است که مجازات حبس در خصوص اشخاص حقوقی قابل اعمال نیست [۲۲، ص ۲۷۹]؛ لکن اعمال مجازات جزای نقدی نسبت به اشخاص حقوقی امکان‌پذیر است و از این‌رو، دادگاه می‌تواند جزای نقدی را از منابع و درآمدهای مؤسسه حقوقی برداشت کند.

ماده مذکور از تعطیلی مؤسسات بنا به دستور مقام قضایی صحبت به میان آورده، اما نحوه صدور و اجرای آن را مشخص نکرده‌است. از آن‌جا که دستور دادگاه به صورت دادنامه تنظیم نمی‌شود و به اصحاب دعوا ابلاغ نمی‌گردد و قابل شکایت نیست، فاقد اعتبار امر قضاوت شده بوده، مشمول قاعده فراغ دادرسی نیز قرار نمی‌گیرد [۳۰، ص ۶۶]. با توجه به این‌که تعطیلی مؤسسه یک نوع مجازت محدودکننده است که توسط قاضی در دادنامه آمده، لذا استفاده از عبارت «حکم دادگاه» مناسب‌تر است [۲۸، ص ۸۲].

در قانون مبارزه با قاچاق انسان، مرجع صالح به رسیدگی به این جرم تعیین نشده‌است. در نگاه اول، طبق اصل اولیه، محاکم عمومی صالح به رسیدگی به این جرم هستند؛ ولی با



توجه به اطلاق بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که رسیدگی به جرائم قاچاق را در صلاحیت دادگاه انقلاب دانسته است، باید گفت که دادگاه‌های انقلاب، صلاحیت رسیدگی به قاچاق انسان را دارند. این دیدگاه که قاچاق انسان جزء جرائم علیه امنیت است نیز این نظر را تقویت می‌کند.

#### ۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

قاچاق انسان، همانند دیگر اشکال فعالیت‌های مجرمانه از سبک و سیاق سنتی خود خارج شده و مجرمان برای کسب سود از طریق تجارت انسان‌ها از هر ابزاری یاری می‌جویند. سود سرشار حاصل از این فعالیت مجرمانه موجب ورود گروه‌های مجرمانه به این عرصه شده‌است. از این‌رو مبارزه با این فعالیت مجرمانه سخت‌تر از قبل شده‌است.

عدم امکان موفقیت یک کشور خاص در مبارزه با این جرم، همکاری دولت‌های مختلف را اقتضا می‌کند. از این‌رو، امروزه شاهد تصویب اسناد جهانی، منطقه‌ای و حتی قراردادهای دو جانبه بین کشورهای مختلف در این زمینه هستیم. همکاری کشورها طیف وسیعی از فعالیت‌ها را دربرمی‌گیرد. مبادله اطلاعات راجع به گروه‌های مجرمانه فعال در این زمینه، مبادله اطلاعات راجع به رفت و آمد بین مرزها و همکاری بین پلیس کشورهای مختلف به منظور تعقیب قاچاقچیان انسان از جمله این اقدامات است. بزه‌دیدگان قاچاق انسان غالباً افراد فریب خورده‌ای هستند که از سرنوشت خود اطلاعی نداشته‌اند و لذا حمایت از آن‌ها بسیار ضروری است [۱۴، ص ۴۰]. از این‌رو، تدابیر خاصی برای حمایت از آن‌ها اندیشیده شده‌است. تصویب مقرراتی برای حفظ حریم خصوصی بزه‌دیدگان و حمایت از آن‌ها در مقابل قاچاقچیان، اعطای معافیت از تعقیب در صورت تخطی بزه‌دیدگان از مقررات مختلف، همچون مقررات مربوط به عبور از مرز ویا کار در کشور خارجی، ارائه کمک‌های پزشکی، روانی و مادی، اعطای تسهیلات خاص به بزه‌دیدگان خارجی همچون اعطای مجوز اقامت برای مدت معین در کشور مقصد و اعطای کمک‌های مالی برای بازگشت به کشور مبدأ از جمله این تدابیر است. در کنار مقررات فوق، جنبش وضع مقررات کیفری شدید در حوزه قاچاق انسان در بسیاری از کشورها مشاهده می‌شود. در برخی از کشورها همانند کلمبیا حتی مجازات شدید ۱۰ تا ۱۵ سال حبس به همراه جزای نقدی پیش‌بینی شده‌است [۸، ص ۳۴۰].

ایران نیز با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در شمار این کشورها قرار گرفته است. هر چند این قانون، خلأ قانونی در این حوزه را رفع کرده، ولی همان طور که مشاهده شد در برخی از موارد، قانون مذکور ایراداتی دارد که ضروری است برای اصلاح آن‌ها اقدام شود. در کنار موارد مذکور برای جامعیت قانون مذکور، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. به رغم این که عنوان قانون مذکور، عام و کلی است، اقدامات کنشی و واکنشی را در برمی‌گیرد، ولی در متن قانون صرفاً اقدامات واکنشی کیفری بیان شده است. در این مورد بهتر بود در کنار جرم‌انگاری قاچاق انسان، اقدامات غیر کیفری دیگری که می‌تواند در مبارزه با قاچاق انسان مؤثر باشد همانند اقدامات پیشگیرانه و اقدامات حمایت از بزه‌دیده قاچاق ذکر می‌گردید.

۲. در قانون مذکور، همچون بسیاری از قوانین بعد از انقلاب، از عبارات مجمل و مبهمی استفاده شده است، به گونه‌ای که در برخی موارد تشخیص آن مشکل است. برای مثال ماده ۲ از تشکیل دسته یا گروه صحبت به میان آورده، بدون این که ملاکی در تعیین دسته و گروه ارائه دهد و یا مشخص کند عضویت چند نفر برای تشکیل گروه لازم است. در این مورد برای تعیین دسته یا گروه باید از ملاک‌های ارائه شده در دیگر مواد قانون مجازات اسلامی، همانند ماده ۴۹۸ استفاده کرد که عضویت حداقل ۳ نفر را برای تشکیل گروه لازم دانسته است.

عدم ارائه معیار مشخص در تعیین مفاهیم ارائه شده در این قانون تنها به این مورد محدود نمی‌شود، بلکه در ماده ۲ برای اولین بار عبارت «به‌طور سازمان‌یافته» در ادبیات حقوقی ایران وارد شده است، بدون این که ملاکی برای تعیین حالت سازمان‌یافته ارائه شود. با توجه به این که استفاده از این عبارت در ادبیات حقوقی، مسبوق به سابقه نیست معیاری برای تشخیص آن وجود ندارد. این امر ما را ناگزیر می‌سازد که برای تفسیر آن از ملاک ارائه شده در پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو در مورد حالت سازمان یافتگی یاری بگیریم؛ یعنی به‌طور سازمان‌یافته را شامل گروه متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای مدت زمانی اعلام موجودیت کرده و برای تحصیل مستقیم یا غیر مستقیم منافع پولی یا مادی دیگر مرتکب قاچاق شوند، بدانیم. هر چند با توجه به عدم الحاق ایران به این پروتکل، استناد به آن خالی از اشکال نیست، ولی به دلیل فقدان ملاک معین و همچنین با لحاظ این که تدوین‌کنندگان قانون مزبور، پروتکل الحاقی را الگوی خود قرار داده‌اند بهترین راهکار، تمسک به این معیار است. چنانچه قانونگذار



به‌طور صریح این ابهامات را رفع کند جلو هرگونه اختلاف‌نظر گرفته خواهد شد.  
۳. قانونگذار با تمایز قایل شدن میان قاجاق سازمان‌یافته از غیر آن، تنها به عدم تأثیر رضایت بزه‌دیده در حالت وقوع جرم به‌طور سازمان‌یافته توجه کرده‌است. هرچند این رویکرد برای نشان دادن خطرناکی قاجاق سازمان‌یافته لازم است، ولی کافی نیست و مناسب‌تر آن بود که در کنار توجه به این امر، مجازات قاجاق سازمان‌یافته در مقایسه با قاجاق غیرسازمان‌یافته شدیدتر می‌بود.

۴. در کنار این اشکالات، اشتباهات دیگری نیز در این قانون مشاهده می‌شود که نیازمند اصلاح است. برای مثال ماده ۳ در بیان مجازات مرتکب مقرر داشته که دادگاه، مرتکب را علاوه بر تحمل حبس به پرداخت دو برابر اموال حاصل از بزه یا اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده محکوم می‌کند. ملاحظه می‌شود که یکی از ملاک‌های تعیین مجازات جزای نقدی، محکومیت به دو برابر اموالی است که از طرف بزه‌دیده وعده پرداخت آن داده شده‌است. با توجه به این‌که در غالب موارد بزه‌دیده پولی را به قاجاقچی پرداخت نمی‌کند، بلکه به‌واقع، قاجاقچی برای فریب بزه‌دیده، مبلغی به وی پرداخت می‌کند لذا در اکثر موارد، پرداخت پول از طرف بزه‌دیده به مرتکب موضوعیت ندارد. همان‌طور که گفته شد، یکی از تفاوت‌های قاجاق انسان با قاجاق مهاجران در شخص پرداخت‌کننده مال است. در حالی‌که در قاجاق مهاجران، مسیر پرداخت پول از مهاجر غیرقانونی به شخص انتقال‌دهنده است در قاجاق انسان این جریان برعکس است. از این‌رو بهتر بود قانونگذار برای تعیین مجازات جزای نقدی، ملاک دیگری را مد نظر قرار می‌داد.

۵. ماده ۸ قانون، بدون توجه به مقررات عام فصل اول قانون مجازات اسلامی که صریحاً اصل صلاحیت شخصی را پذیرفته، بار دیگر اصل صلاحیت شخصی را بیان کرده‌است. اشاره مجدد به این اصل در یک قانون خاص، ارزشی ندارد و باید حذف گردد. همگی شاهد مثال‌های فوق نشانگر آن است که قانونگذار در هنگام وضع این قانون، دقت کافی به خرج نداده و از این‌رو، اصلاح قانون مذکور برای رفع ایرادات، ضروری است.

## ۵- منابع

[۱] میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷.

- [۲] طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، ج ۲۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ه.ق.
- [۳] مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ج ۵، ج ۲۷، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
- [۴] نجفی، محمدحسین، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۳۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- [۵] محقق داماد، سید مصطفی، «حق استنثار در حقوق بین‌الملل اسلامی براساس کتاب و سیره نبوی»، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، ۱۳۸۶.
- [۶] اشتیری، بهناز، *قاچاق زنان: بردگی معاصر*، انتشارات اندیشه برتر، ۱۳۸۰.
- [۷] لیبست، سیمور مارتین، *دایره‌المعارف دموکراسی*، ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی، ج ۱، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.
- [۸] السان، مصطفی، «قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی (از منع جهانی تا حمایت از بزه‌دیدگان)»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ش ۱۶، ۱۳۸۴.
- [۹] مقدسی، محمد باقر، *بررسی مساله قاچاق انسان و شناسایی چالش‌های حقوقی آن*، دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (با نظارت علمی امیر حمزه زینالی)، ۱۳۸۵.
- [۱۰] موثقی، سید احمد و اسفندیاری، گلپر، «قاچاق انسان، بردگی در عصر جدید»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۳، ۱۳۸۷.
- [۱۱] کولایی، الهه، «عوامل و انگیزه‌های قاچاق انسان (با تأکید بر آسیای مرکزی)»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، ش ۴، ۱۳۸۶.
- [12] Smart, U., "Human trafficking: Simply a European problem?", *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice*, Vol.11, No. 2, 2003.
- [۱۳] نوبهار، رحیم، «قاچاق زنان برای روسپیگری از منظر آموزه‌های اسلامی با نگاه به مقررات بین‌المللی و حقوق ایران»، *فصلنامه علمی پژوهشی مدرس*، ش ۴۷، ۱۳۸۵.
- [۱۴] سلیمی، صادق، «قاچاق اشخاص به‌عنوان یک جنایت سازمان‌یافته فراملی»، *مجله دانشکده*



- حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۴، ۱۳۸۳.
- [۱۵] شمس ناتری، محمد ابراهیم، سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سازمان‌یافته با رویکردی به حقوق جزای بین‌الملل، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
- [16] <http://www.globalsurvival.net/other/USnews/9704.html>.
- [۱۷] «سازمان دفاع از قربانیان خشونت، قاجاق زنان و کودکان و راهکارهای قانونی مبارزه با آن، ۱۳۸۲».
- [18] <http://www.state.gov/g/tip/rls/tiprpt/2008/105388.htm>.
- [۱۹] عمید، حسین، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- [۲۰] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چ ۹، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۷.
- [۲۱] معظمی، شهلا، «جرائم سازمان‌یافته»، مجله علوم جنایی، ش ۱، ۱۳۸۶.
- [۲۲] سلیمی، صادق، «قاجاق انسان و مبارزه با آن در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ش ۲۶، ۱۳۸۶.
- [23] Johnson, A. B., Bellamy, C., *Combating child trafficking*, France Sage, 2005.
- [۲۴] مهرا، نسرین، «حمایت‌های حقوقی و کیفری از اطفال در برابر بزهکاری در حقوق ایران»، یادنامه دکتر مهدی شهیدی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.
- [۲۵] حبیب‌زاده، محمد جعفر و مقدسی، محمد باقر، «درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در حقوق ایران»، نامه مفید، ش ۵۵، ۱۳۸۵.
- [۲۶] مهرا، نسرین، زن و حقوق کیفری، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
- [27] United Nation Childrens Fund, Press Release, 8 January 2005.
- [۲۸] دبیرزاده، الهه، تحلیل حقوقی قاجاق انسان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.
- [۲۹] حبیب‌زاده، محمدجعفر، سرقت در حقوق کیفری ایران (و مطالعه تطبیقی)، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۵.



[۳۰] شیبانی، حسن، قاجاق انسان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.

[۳۱] حبیب‌زاده، محمدجعفر، محاربه در حقوق کیفری ایران، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.

[۳۲] میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، ۱۳۸۰.

[۳۳] سلیمی، صادق، جنایات سازمان‌یافته فراملی، انتشارات تهران صدرا، ۱۳۸۲.

Archive of SID